

تحلیل مکانی و جمعیتی نظام عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد و ارائه طرح‌ها و الگوهای مناسب برای توسعه پایدار

منابع طبیعی و ساماندهی مکان‌های عشایری

جهانگیر جهانگیری^۱، کلمراد مرادی^{۲*}

۱. استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲. دانشجو دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان اصفهان

(تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۳؛ تاریخ تصویب: ۸۸/۶/۲۵)

چکیده

یکی از مسایل مهم و کلیدی که در کنار برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد باید به طور مستقل به آن پرداخته شود، برنامه‌ریزی در زمینه آمایش سرزمین و منطقه‌ای است. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، روند جامعی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای را نیز ارائه می‌کند. این شکل از برنامه‌ریزی برای به کارگیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح یک کشور بهترین مکمل برای برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد است. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین چون با دیدی وسیع و همه جانبه به فضای ملی نگاه می‌کند، کلیه مناطق کشور را با حوصله و دقت از جهات مختلف مورد مطالعه و شناسایی قرار می‌دهد و بر اساس توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها هر منطقه با توجه به یکنواختی و هماهنگی اثرات و نتایج عملکردهای آن‌ها در سطح ملی، نقش و مسؤولیت خاصی را به مناطق مختلف کشور محول می‌کند. عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد از زمان‌های دور اقدام به ایجاد ایلاتی نموده که این ایلات هر کدام به نوبه خود کارکردهای قابل توجهی را در مقاطع مختلف زمانی از خود نشان داده‌اند. از جمله می‌توان به مبارزه ایل بویراحمد بر ضد عوامل رژیم پهلوی در نبردهای "تنگ تامرادی"، "گجستان" و "دورگ مدین" و هم چنین نبرد دلبرانه عشایر در مقاومت مقدس هشت ساله جنگ تحمیلی به تاسی از روح سلحشوری ایلی اشاره کرد. هم چنین فایق آمدن عشایر بر طبیعت خشن و کوهستانی این خطه از کشورمان که جز در سایه یکدلی و هماهنگی امکان‌پذیر نبود، نمونه‌ای دیگر از این قبیل دلاوری‌ها می‌باشد. لازم به توضیح است که این مقاله بر اساس اسناد و مدارک (روش کتابخانه‌ای)، مطالعه میدانی، مصاحبه و اطلاعات حاصل از سرشماری‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر ایران در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۶۶ انجام گرفته است. قابل ذکر است که برای بسط بسیاری از مطالب از روش پیمایش نیز استفاده شده، ولی در کل، روش غالب در این مطالعه توصیفی و کتابخانه‌ای است. جامعه‌ی عشایری ناحیه بویراحمد نیز همانند جامعه‌ی عشایری ایران دستخوش تحولات گسترده است و نمود عینی و اصلی این تحولات، شتاب روزافزون در اسکان و یکجانشینی و تغییر الگوی زیست است، پیش‌بینی می‌شود که این تحولات در آینده با شتاب بیش‌تری ادامه یافته و جامعه‌ی عشایری، به تدریج در جامعه‌ی روستایی و شهری فرو رود و صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی آن از لحاظ تاریخی به پایان رسد.

واژگان کلیدی

آمایش سرزمین، عشایر، کهگیلویه و بویراحمد.

مقدمه

آمایش سرزمین، طبق ضوابطی با نگرش بازده پایدار و درخور، برحسب توان و استعداد کیفی و کمی سرزمین برای استفاده‌های مختلف انسان از سرزمین، به تعیین نوع کاربردی از سرزمین می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۱). سهم جمعیت عشایری ایران از جمعیت کشور، در آغاز قرن حاضر حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد بوده است. اما در چند دهه‌ی اخیر، جامعه‌ی عشایری ایران دستخوش تغییر و دگرگونی بوده و تحولات وسیعی یافته است. این تحولات، پس از انقلاب اسلامی و به ویژه پس از جنگ تحمیلی و در دهه‌ی اخیر (۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶) کم و کیف گسترده‌ای داشته است. نمودهای بارز این تحولات در جامعه‌ی عشایری به شرح زیر است: فروپاشی سیستم متمرکز قدرت ایلی و ساختارهای آن، تحول در سازماندهی کوچ و کوتاه شدن مدت آن به علت کاربرد وسایل نقلیه موتوری و استفاده از جاده‌های اتومبیل رو و افزایش جدایی خانوارها از رمة، شتاب روزافزون در اسکان و یکجانشینی و تغییر الگوی زیست، مهاجرت‌های پرشتاب عشایر به مراکز و کانون‌های شهری، تشکیل خانواده‌های هسته‌ای و مستقل و کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوند بر این خانواده‌ها و دگرگونی عمیق در فرهنگ، بینش و طرز تلقی افراد عشایری از دنیای پیرامون.

اولین طرح سرشماری از عشایر کوچنده به نام سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک در زمستان ۱۳۵۳ توسط مرکز آمار ایران انجام شد. اما سرشماری مذکور تمام عشایر کوچنده کشور را در بر نمی‌گرفت. در سال ۱۳۶۳ بررسی جامعه‌ی عشایری کشور آغاز شد، این مطالعه به خصوص از این نظر که بخش عمده‌ای از دامداری کشور توسط جامعه‌ی عشایری مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، دارای اهمیت بسیار بالایی بود. نظر به اینکه جامعه‌ی عشایری کشور تا آن زمان به طور کامل ناشناخته بود و انجام مطالعات همه‌جانبه ضرورت داشت، تا اینکه تصمیم گرفته شد، طرح جامعی برای سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده تهیه شود و ضمن آن تکمیل پوشش آمارهای کشاورزی نیز تحقق یابد (سرشماری اقتصادی و اجتماعی، ۱۳۷۷، ص ۳۱).

جامعه‌ی عشایری کشور دارای سابقه‌ای طولانی در تاریخ و فرهنگ ایران است. از دیرباز تاکنون تعداد زیادی از مردم کشور ما به دلیل بهره‌برداری از منابع طبیعی، شیوه زندگی

کوچ‌نشینی را برگزیده‌اند که در آن دامداری سنتی فعالیت عمده آنان را تشکیل می‌دهد. شناخت جامعه عشایری به سبب اهمیت آن در فعالیت‌های دامداری کشور و لزوم برنامه‌ریزی در مورد آن ایجاب می‌کند که اطلاعات کافی در زمینه اجتماعی و اقتصادی این جامعه در اختیار باشد. از آنجا که هر برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... آمار کلیدی و زیربنای کار محسوب می‌شود، لذا انجام هر گونه اقدام در برنامه‌ریزی عشایری نیز بدون وجود اطلاعات و آمار در مورد این جامعه نمی‌تواند امکان‌پذیر باشد. گرچه در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی بعضی از سازمان‌های دولتی اقدام به جمع‌آوری و تهیه و انتشار آمار و اطلاعاتی در این زمینه کرده‌اند. لیکن چون این اطلاعات از نظر پوشش زمانی از هماهنگی لازم برخوردار نبوده است، لذا اطلاعات جمع‌آوری شده در مجموع نمی‌توانست گره‌گشای کار باشد. در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۴۵ و ۵۵ تعدادی از افراد جامعه عشایری که در زمان قشلاق و بیلاق به طور موقت در روستاها ساکن بودند و یا در هنگام کوچ با ماموران آمارگیر روبرو شدند، مورد آمارگیری قرار گرفتند.

بر این اساس، عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد از زمان‌های دور اقدام به ایجاد ایلاتی نموده که این ایلات هر کدام به نوبه خود کارکردهای قابل توجهی را در مقاطع مختلف زمانی از خود نشان داده‌اند. از جمله می‌توان به مبارزه ایل بویراحمد بر ضد عوامل رژیم پهلوی در نبردهای "تنگ تامرادی"، "گجستان" و "دورگ مدین" و هم‌چنین نبرد دلیرانه عشایر در مقاومت مقدس جنگ تحمیلی به تأسی از روح سلحشوری ایلی اشاره کرد. هم‌چنین فایق آمدن عشایر بر طبیعت خشن و کوهستانی این خطه از کشورمان که جز در سایه یکدلی و هماهنگی امکان‌پذیر نبود، نیز نمونه‌ای دیگر از این قبیل دلاوری‌ها می‌باشد.

مطالعات انجام شده

تیر سحر در مطالعه‌ای با عنوان راه کارهای توسعه فرهنگی در استان کهگیلویه و بویراحمد به اهمیت مطالعات فرهنگی، توسعه همه جانبه با استفاده از همه‌ی امکانات، استفاده از نیروهای متخصص و بومی و هم‌چنین لزوم توجه به زندگی جامعه عشایری استان تأکید کردند (تیر سحر، ۱۳۷۷، ص ۴۲).

اداره کل امور عشایری کهگیلویه و بویراحمد در بررسی اجمالی از عملکرد بیست سال تلاش و سازندگی، به وضعیت کلی عشایر استان و وظایف و عملکردهای امور عشایری در قبال این جامعه پرداخت و عملکرد آن را قبل و بعد از انقلاب مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

در این مطالعه به برنامه‌های ساماندهی عشایر، سیمای اقتصادی عشایر و اتحادیه شرکت‌های تعاونی عشایر استان پرداخته شد (اداره کل امور عشایری، ۱۳۷۷، ص ۴۱).

مطالعه دیگری توسط اولیایی با عنوان بررسی اقتصادی - اجتماعی عشایر، با هدف تحلیل جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر و مشکلات آنان انجام شد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که ۳۱/۴ درصد از خانوارهای عشایری ادامه زندگی کوچ نشینی را مطلوب‌ترین شکل زندگی دانسته و ۶۸/۶ درصد آنها به یکجانشینی تمایل داشته‌اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۸).

حیاتی در مطالعه‌ای با عنوان تحلیلی بر پیامدها و راه‌کارهای برگزیده شده اسکان عشایر در ایران با نگرشی بر تجربه دشت بکان، به بررسی مشکلات ناشی از اجرای این طرح و پیامدهای آن پرداخت و نتایجی را که پیشنهاد نمود، لزوم توجه به بُعد نرم‌افزاری طرح‌های اسکان عشایر، اتخاذ سیاست‌های تشویق و حمایت از کانون‌های اسکان خودجوش، لزوم داشتن بینشی بلندمدت و آینده‌نگر در اجرای طرح‌های توسعه‌ای را مورد توجه قرار داد (حیاتی، ۱۳۸۵، ص ۶۸).

موسوی نژاد نیز در مطالعه‌ای با عنوان روند نابسامانی عشایر کوچنده و کارکرد سازمان‌های دولتی نشان داد که ساختار ایلی در جامعه عشایری ایران از هم فروپاشیده و به طور روزافزون از استقلال آن کاسته شده و به خدمات دولتی وابسته شده‌اند. این فروپاشی و اضمحلال بدون برگشت ساختار ایلی زمینه بریدن از گذشته و روی آوردن به آینده‌ای دیگر را چنان سرعت بخشیده است که اگر برنامه‌ای برای آن ریخته نشود، در نهایت به اضمحلال این جامعه منجر می‌شود (موسوی نژاد، ۱۳۸۰، صص ۱۳۵-۱۶۰).

مباحث نظری تحقیق

اقتضای زندگی اجتماعی چنین است که انسان به منظور حفظ خود و ادامه حیات، ناگزیر از حضور در جمع بوده و آنگاه که قصد بهره‌گیری از طبیعت را داشته و خطری از جانب محیط وی را تهدید کند، به اتفاق همین جمع به مبارزه بر می‌خیزد. از آنجا که انسان به تنهایی قادر نیست تا به رفع مشکلات و بر آوردن نیازهایش مبادرت کند، به ناچار دیگران را نیز در این امر به خدمت طلبیده و بدین سبب حیات خود را قوام می‌دهد. بنابراین انسان در تعاریف مختلف به عنوان موجودی مدنی‌الطبع مطرح شده و برقراری ارتباط تعاملی با افراد اجتماع برای وی اجتناب ناپذیر است. زندگی کوچ‌نشینی از آنجا که بنابر طبیعت خاص خود صاحبان خویش را

ناگزیر به عبور مستمر از مناطق خطرناک و رویارویی با خطرات گوناگون محیطی می‌کند، لذا وجود سازمان یا تشکیلاتی که بتواند موجبات بقا و استمرار این زندگی را در مقابله با خطرهای مشکلات فراهم کند، برای عشایر ضروری گردانید. از همین رو است که بعدها "ایل" به عنوان یک سازمان با چنین کارکردی تشکیل و عشایر را انسجام بخشید. ایل که در تشکیل آن عوامل متعددی از جمله عوامل سیاسی، اجتماعی، محیطی و... نقش داشته‌اند، خود در برگیرنده رده‌های دیگری موسوم به "تیره"، "طایفه"، "نش یا اولاد" و غیره بوده که کارکردهای ایل در این رده‌ها شکل آشکارتری به خود می‌گیرد. ادبیات کوچ، اسکان و زندگی عشایری از دیدگاه‌های متفاوتی مورد مطالعه قرار گرفته است. گروهی از اندیشمندان معتقدند که جماعت عشایری در مرحله انتقال گذار از کوچ‌نشینی به یکجانشینی قرار دارند (امان‌اللهی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱). ابن خلدون و توین بی، این حرکت را پیش‌بینی نموده بودند. از دیدگاه آنان عشایر جامعه‌ای بدون تاریخ و پیشینه مدون‌اند که در مقابل فشار و تحولات جوامع یکجانشین توان مقاومت و حفظ شیوه معیشتی خود را ندارند. اما این مسأله اسکان نیز مستلزم جامعه‌پذیری بوده و جامعه عشایری متقاضی اسکان از طریق جامعه‌پذیری، هنجارهای مرتبط با زندگی یکجانشینی را به تدریج درونی می‌کنند (غفاری، ۱۳۶۸، ص ۱۳۲).

روش پژوهش

روش پژوهش که در این مقاله به کار گرفته شده است، از نوع کیفی^۱ است. به دلیل برخی کاستی‌های موجود در روش‌های پیمایشی و کمی، از طرفی توجه و علاقه روزافزون به مطالعات کیفی در پژوهش‌های اجتماعی و همچنین اقتضای مطالعه زندگی عشایری به صورت کاملاً طبیعی استفاده از روش کیفی را توجیه می‌کند. به طور کلی، اطلاعات حاصل از این مطالعه به صورت ذیل به دست آمده است:

مطالعه میدانی در منطقه: به منظور اجرای این بخش از پژوهش، پژوهشگر در طی مدت انجام پژوهش به طور مداوم به منطقه اجرای طرح عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد عزیمت نموده و با حضور در منطقه و تماس مستقیم با عشایر اسکان یافته، اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری نموده. در این بخش به طور عمده از سه روش پژوهشی استفاده گردید، این روش‌ها

1 . Qualitative

عبارت بودند از: الف) مشاهدات میدانی^۱ ب) مصاحبه در قالب گروه‌های متمرکز^۲ ج) مطالعه موردی^۳ عمیق.

مطالعات اسنادی^۴: در این بخش با مراجعه به گزارش‌ها و مطالعات نیمه تفصیلی و زمینه‌یابی انجام شده است. مصاحبه‌های انفرادی با برنامه‌ریزان، مدیران و کارشناسان در مورد طرح به منظور کسب اطلاعات دقیق از افرادی که خود از ابتدا و یا در مراحل مختلف اجرایی این طرح حضور داشته و قادر بودند که پیرامون نقاط قوت و اشکالات موجود در آن به خوبی قضاوت نمایند.

وضعیت کلی عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد

استان کهگیلویه و بویراحمد هم اکنون قلمرو زیست شش ایل بویراحمد، بهمیی، طیبی، دشمن زیاری، چرام و باشت و بابویی و هم‌چنین تعدادی از خانوارهای عشایر ایلات قشقایی و ممسنی بوده است (اداره کل امور عشایری، ۱۳۷۷، ص ۵). براساس داده‌های سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۷۷ ایل‌هایی که محل استقرار آنها در دوره ییلاق و قشلاق در ناحیه‌ی بویراحمد است، عبارت‌اند از: باشت و بابویی، بویراحمد سفلی، بویراحمد گرمسیری، بویراحمد علیا، سردسیر، بهمیی، چرام، دشمن زیاری، طیبی، قشقایی، ممسنی (اداره کل امور عشایری، ۱۳۷۷، ص ۵). این عشایر تا آستانه اصلاحات ارضی رژیم شاه در واحد اداری، سیاسی، خویشاوندی و اقتصادی به نام ایل، جای می‌گرفتند. علاوه بر سازمان خویشاوندی که از ویژگی‌های این جامعه بود، عوامل دیگری مثل قانون، عرف و سنن واحد یا مشترک، اتحاد در زیر فرمان رئیس واحد، زندگی در سرزمینی واحد، بهره‌برداری مشترک از زمین و مرتع و آب و مهم‌تر از همه شیوه معاش، عوامل همبستگی و تشکیل یک ایل یا عشیره بوده است. سازمان ایلی در این دوره به این ترتیب بوده است:

ایل ← تیره ← طایفه^۵ ← اولاد ← تش ← حونه

در زیر به طور مختصر تعریف هر یک از اجزای سازمان ایلی آورده می‌شود.

-
- 1 . Field Observation
 - 2 . Focus Groups
 - 3 . Case study
 - 4 . Documental Studies
 - 5 . Phraterly

ایل: مجموعه تیره‌هایی که همبستگی آنها ریشه تاریخی دارد و در صدر آن خان جای دارد، ایل گفته می‌شود.

تیره: تیره واحد خویشاوندی آرمانی و رسمی در درون سازمان ایل است که همبستگی تاریخی، سیاسی، نظامی، اداری، منشأ مکانی و مراتع مشترک در تشکیل آن نقش دارد.

طایفه: مشخص‌ترین و مهم‌ترین چارچوب اجتماعی عشایر طایفه است. طایفه واحد رسمی کوچک‌تر از تیره در درون سازمان ایلی است که منشأ مکانی، مراتع مشترک، خویشاوندی نسبی و سببی، ملاحظات اداری و سیاسی و بعضاً اقتصادی و نظامی در شکل‌گیری آن مؤثر بوده است.

اولاد: اولاد، بزرگ‌ترین واحد غیررسمی و خویشاوندی سببی و نسبی حقیقی عشایر است که به صورت خانواده‌ی گسترده‌ی به هم پیوسته، خانوارهایی با درآمد و ثروت متفاوت در آن جای می‌گیرند.

تش: هر اولاد به واحدهای پدرتبار حقیقی کوچک‌تری به نام تش تقسیم شده است که اعضای آن افراد خانواده برادرها و عموزاده‌های درجه یک تا سه هستند.

حونه: حونه کوچک‌ترین واحد سازمان ایلی پدرتبار است که اعضای آن را خانواده‌های پدر و پسران و برادرها و عموزاده‌های درجه یک و دو شکل می‌دهند. هر حونه به تعدادی خانواده و یا خانوار تقسیم می‌شود. حونه را مال نیز می‌گویند. در هر اولاد یا تش یا دهه در بین عشایر کهگیلویه و بویراحمد را مال یا حونه گویند که کوچک‌ترین واحد اقتصادی و اجتماعی است (طیبه، ۱۳۷۱، ص ۳۲۶).

در دوره‌ی اخیر مفهوم عشایر تا حدود زیادی از ایل جدا شده و به دو گروه عشایر کوچنده و عشایر اسکان یافته تقسیم شده است. در واقع بحث از عشایر اسکان یافته منتفی است، اگرچه آثار ضعیفی از باورها و فرهنگ عشایر یا ایلی در بین این گروه باقی مانده است و باید از جامعه‌ی روستایی سخن گفت. عشایر کوچنده نیز به مردمی گفته می‌شود که حداقل سه ویژگی زیر را داشته باشند: ساخت اجتماعی قبیله‌ای، اتکای معاش به دامداری و شیوه‌ی زندگی شبانی یا کوچ.

بعد از انقلاب اسلامی کوشش‌هایی با اتکا به چارچوب سازمان ایلی به همت جوانان به ویژه فرزندان دامداران متوسطی که پس از اصلاحات ارضی به مشاغل دولتی گرویده بودند، صورت گرفت. اما به علت فروپاشی زمینه‌های ضروری همبستگی کوچنده‌ها و اسکان یافته‌ها

در چارچوب این واحدها و نبود شرایط دیگری که نیروهای عشایری دارای منافع مشترک را به دور یکدیگر جمع کند، موفق نبود. جامعه‌ی عشایری ایران و هم‌چنین جامعه‌ی عشایری ناحیه‌ی بویراحمد در چند دهه‌ی اخیر، دستخوش تغییر و دگرگونی بوده و تحولات وسیعی یافته است. این تحولات، پس از انقلاب اسلامی و به ویژه پس از جنگ تحمیلی و در دهه اخیر (۱۳۶۷-۷۶) کم و کیف گسترده‌ای داشته است. نمونه‌های بارز تحولات در جامعه عشایری، فروپاشی ساختارهای ایلی، اسکان عشایر کوچنده و چادرنشین، یکجانشین و تغییر الگوی زیست و مهاجرت‌های روزافزون عشایر به مراکز و کانون‌های شهری است (برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی، ۱۳۷۹-۱۳۸۳، ص ۴۹).

ایلات استان

۱) ایل بویراحمد: ایل بویراحمد با دارا بودن سه شاخه اصلی موسوم به بویراحمد علیا، بویراحمد وسطی (گرمسیری) و بویراحمد سفلی عنوان بزرگ‌ترین ایل استان را به خود اختصاص داده و در اغلب مناطق استان پراکنده‌اند.

الف) بویراحمد علیا: این ایل دارای سه تیره نگین تاجی، قایدگیوی و آقایی بوده که این تیره‌ها، ۲۲ طایفه ۴۴۶ اولاد و ۲۹۷۰ خانوار را تحت پوشش قرار داده‌اند. محدوده ییلاق و قشلاق این ایل، شهرستان‌های بویراحمد و گچساران از این استان و مناطقی از شهرستان‌های ممسنی و سپیدان از استان فارس می‌باشد.

ب) بویراحمد وسطی (گرمسیری): ایل بویراحمد گرمسیری که در دهه‌های اخیر اغلب به سکون و یکجانشینی روی آورده است، هم‌اکنون مطابق با سرشماری اقتصادی - اجتماعی سال ۶۶ عشایر، تنها ۲۲ خانوار عشایری را دارا می‌باشد. این خانوارها کوچروی را در قلمرو خود واقع در شهرستان گچساران انجام می‌دهند.

ج) بویراحمد سفلی: این ایل را سه تیره تامرادی، دشت موری و آقایی تشکیل می‌دهد که این تیره‌ها در مجموع ۳۳ طایفه، ۵۸۳ دهه یا اولاد و ۶۲۳۰ خانوار را زیر پوشش دارند. ایل بویراحمد سفلی نسبت به ایلات بویراحمد علیا و وسطی دارای بیش‌ترین قلمرو و هم‌چنین بیش‌ترین حجم جمعیت می‌باشد. ییلاق و قشلاق این ایل در حد فاصل شهرستان‌های کهگیلویه و بویراحمد از این استان و قسمت‌هایی از شهرستان بهبهان از استان خوزستان واقع گردیده است.

۲) ایل بهمی: ایل بهمی با داشتن ۳۰۴۱ خانوار عشایری که به چهار تیره، ۲۹ طایفه و

۳۶۱ دهه تعلق دارند، دارای مرتبه دوم در بین ایلات استان می‌باشد. مناطق بیلاقی و قشلاقی این ایل عمدتاً در شهرستان کهگیلویه واقع گردیده و قسمت کمی از آن نیز در محدوده استان خوزستان قرار گرفته است.

۳) ایل طیبی: این ایل که در قالب دو تیره، ۱۸ طایفه و ۳۲۴ دهه سازمان یافته است، در مجموع ۲۶۹۳ خانوار عشایری را با جمعیتی بالغ بر ۱۷۴۳۸ نفر در خود جای داده است. مناطقی از استان کهگیلویه و بویراحمد و قسمت‌هایی از استان خوزستان نیز عرصه بیلاق و قشلاق این ایل به شمار می‌رود.

۴) ایل دشمن زیاری: ایل دشمن زیاری کوچروی خود را با ۱۵۷۵ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۹۷۴۵ نفر در قلمرو خود که در استان کهگیلویه و بویراحمد قرار گرفته است، سپری می‌کند. ایل دشمن زیاری از دو تیره و طوایف مستقل تشکیل گردیده که در شمال دهدشت، کنار رودخانه مارون منطقه قشلاقی و بیلاق را در شهرستان بویراحمد زندگی می‌نمایند و در کل شامل ۱۷ طایفه می‌باشد.

۵) ایل چرام: ایل چرام را ۱۰۴۳ خانوار و ۶۴۵۷ نفر جمعیت تشکیل می‌دهد. این جمعیت، برگرفته از سرشماری اقتصادی-اجتماعی سال ۶۶ عشایر کوچنده کشور، کوچ خود را در محدوده کهگیلویه از سر گرفته و در مناطق بیلاقی و قشلاقی روزگار خود را سپری می‌کنند.

۶) ایل باشت و بابویی: کوچ این ایل از قشلاق به بیلاق و بالعکس در شهرستان گچساران با ۵۱۳ خانوار و ۳۵۸۶ نفر جمعیت صورت می‌گیرد. ایل باشت نیز همانند ایل بویراحمد وسطی از روند رو به کاهش برخوردار بوده و عمدتاً یکجانشینی و مهاجرت به شهرهای همجوار را پیشه خود کرده‌اند. همچنانکه پیش‌تر اشاره شد، علاوه بر ایلات سکنه استان تعدادی از خانوارهای ایلات قشقایی و ممسنی نیز در ایامی از سال به این استان وارد و برای مدتی اقامت می‌کنند. شمار این خانوارها برای ایل قشقایی ۵۷۹ خانوار به فصل قشلاق در شهرستان گچساران و برای ایل ممسنی در موقعیت بیلاقی در شهرستان بویراحمد ۲۵۱ خانوار می‌باشد.

جدول شماره ۱ تعداد ایلات و طوایف و تعداد تیره‌های عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد را نشان می‌دهد. همان‌طور که از داده‌ها برمی‌آید، ایلات استان به ۸ ایل تقسیم می‌شوند که اسامی آنها در جدول ذکر شده است. از بین آنها ایل بویراحمد سفلی با بیش‌ترین تعداد خانوار (۶۲۳۰) دارای ۳۸۶۶۷ نفر جمعیت بزرگ‌ترین ایل استان محسوب می‌شود. در حالی که، ایل بویراحمد وسطی با ۲۲ خانوار و ۱۲۷ نفر کوچک‌ترین ایل استان محسوب

می شود.

تعداد تیره	تعداد طایفه	جمعیت		نام ایل یا طایفه مستقل	ردیف
		تعداد جمعیت	تعداد خانوار		
۳	۲۲	۲۰۳۹۶	۲۹۷۰	بويراحمد عليا	۱
-	۲	۱۲۷	۲۲	بويراحمد وسطی	۲
۳	۳۳	۳۸۶۶۷	۶۲۳۰	بويراحمد سفلی	۳
۲	۱۸	۱۷۴۳۸	۲۶۹۳	طیبی	۴
۴	۲۹	۲۰۲۸۶	۳۰۴۱	بهیمی	۵
۲	۱۷	۹۷۴۵	۱۵۷۵	دشمن زیاری	۶
-	۹	۶۴۵۷	۱۰۴۳	چرام	۷
۴	۳۲	۳۵۸۶	۵۱۳	باشت و بابویی	۸

جدول ۱: تعداد ایلات و طوایف عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد

جدول شماره ۲ جمعیت طایفه‌های ایلات استان کهگیلویه و بویراحمد در دو سرشماری رسمی سال ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ و هم چنین درصد تغییرات این ایلات در دو محدوده قشلاقی و بیلاقی را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که جمعیت ایلات استان با ۲۴۹۱۴۴ نفر در سال ۱۳۶۶ به ۲۱۶۴۴۲ نفر در سال ۱۳۷۷ کاهش یافته است. درصد تغییرات این کاهش در بیلاق به مراتب بیش‌تر از قشلاق بوده است. از میان ایلاتی که جمعیت آنها در بیلاق و قشلاق شبیه به هم متغیر شده است، ایل باشت و بابویی بوده است. در دو ایل بویراحمد گرمسیری و ایل چرام درصد تغییرات مثبت بوده، به این معنا که در طی این ده ساله جمعیت آنها اضافه شده است.

ردیف	ایل یا طایفه مستقل	سال ۱۳۶۶	سال ۱۳۷۷	درصد تغییرات بیلاق	درصد تغییرات قشلاق
		۲۴۹۲۴۴	۲۱۶۴۴۲	-۱۶/۸	-۲۰/۱
۱	باشت و بابویی	۳۵۶۸	۳۲۷۰	-۸/۸	-۸/۸
۲	بويراحمد سفلی	۳۸۶۶۷	۲۴۴۳۸	-۳۱/۶	-۲۱/۵
۳	بويراحمد گرمسیری	۱۲۷	۱۵۹	-۲۵/۲	۲۵/۲
۴	بويراحمد عليا سردسیری	۰۳۹۶۲	۱۶۷۲۱	-۱۱/۱	-۱۷/۶
۵	بهیمی	۲۰۲۸۶	۴۸۷۳۱	-۳۶/۱	-۳۵
۶	چرام	۶۴۵۷	۷۴۱۸	۱۴/۹	۱۴/۹
۷	دشمن زیاری	۹۷۴۵	۷۲۰۷	-۲۶	۲۶
۸	طیبی	۱۷۴۳۸	۱۵۵۵۱	۱۰/۸	-۹/۴
۹	قشلاقی	۱۱۲۴۳۰	۱۱۰۹۷۵	۶۷۴-/۴	-۳۵/۲
۱۰	ممسنی	۲۰۱۱۲	۱۴۹۱۹	۶۶/۹	۰

جدول ۲: جمعیت ایل‌های طایفه‌ای مستقل استان

پراکنش و مسیرهای کوچ عشایر

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۷ حدود ۱۸/۷۱ درصد از کل خانوارهای عشایر در فصل ییلاق کم‌تر از ۳۰ کیلومتر را کوچ می‌نمایند که این رقم در دوره قشلاقی ۱۷/۲۹ درصد می‌باشد و فاصله کوچ بین ۳۰ تا ۵۰ کیلومتر ۱۸/۱۶ درصد و ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتر ۱۹/۸۵ درصد و ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلومتر ۲۱/۰۷ درصد و ۱۸/۹۷ درصد از عشایر استان بالاتر از ۲۰۰ کیلومتر کوچ می‌نمایند. از خانوارهای عشایر دوره ییلاقی استان ۴/۲۰ درصد در آخرین کوچ قبل از سرشماری (از قشلاق به ییلاق) مشارکت نداشته‌اند و طول مسیر کوچ ۱۸/۷۱ درصد از خانوارها کم‌تر از ۳۰ کیلومتر بوده است. هم‌چنین خانوارهای عشایر دوره قشلاقی استان ۴/۶۴ درصد در آخرین کوچ شرکت نکرده و طول مسیر کوچ ۱۷/۲۹ درصد از خانوارها کم‌تر از ۳۰ کیلومتر بوده است. از طرفی هم از کل خانوارهای عشایری استان ۸۰۰ خانوار برون کوچی و بقیه درون کوچ بوده‌اند.

حرکت برون کوچی و درون کوچی عشایر کوچنده

- ۱- ایل چرام: عشایر ایل چرام دارای حرکت درون کوچی بوده، یعنی از مناطق قشلاقی اطراف چرام به مناطق ییلاقی چرام طسوج و کوه‌های اطراف کوچ می‌نمایند.
- ۲- ایل بهمئی: الف) بهمئی سرحدی: دارای حرکت برون کوچی شامل قشلاق در استان خوزستان و در اطراف لهره‌ای رامهرمز و بهبهان و ییلاق در زیست بوم بهمئی سرحدی اطراف دیشموک مورخانی، تنگ لوداب، چاروسا بوده است.
- ب) بهمئی گرمسیری: دارای حرکت برون کوچی بودند به طوری که قشلاق در استان خوزستان و ییلاق در استان کهگیلویه نواحی نتگسانه و سرآسیاب یوسفی می‌باشند.
- ۳- ایل طیبی: دارای حرکت درون کوچی بوده، ایل طیبی سرحدی در محدوده چاروسا، آجسم، زیلایی و ایل طیبی گرمسیری در محدوده لنده و تنگ لنده می‌باشند.
- ۴- ایل دشمن زیاری: دارای حرکت برون کوچی بوده، در قشلاق در قسمتی از استان خوزستان و اطراف بهبهان و در ییلاق در کهگیلویه، لوداب، چین مارگون، دهدشت شرق و سرفاریاب می‌باشند.
- ۵- ایل بویراحمد:
- ۶- ایل باشت: دارای حرکت درون کوچی بوده، ییلاق و قشلاق هر دو در استان است.
- ۷- ایل قشقای: دارای حرکت برون کوچی بوده، به طوری که طوایف در رده‌بندی زیست

بوم شماره ۱۲ قشلاق مستقر و بیلاق در استان اصفهان. طایفه کشکولی بزرگ در زیست بوم شماره ۱۳ قشلاق که طی استقرار در استان فارس و اصفهان گروهی نیز در زیست بوم شماره ۱۲ قشلاق که محل استقرار قشلاق در استان می باشد.

۸- ایل ممسنی: دارای حرکت برون کوچی در بیلاق استان کهگیلویه و بویراحمد و در قشلاق در فارس. ایل ممسنی به نسبت طوایف دیگر دارای حرکت درون کوچی می باشد. از کل خانوارهای عشایری استان ۸۰۰ خانوار برون کوچی و بقیه درون کوچ بوده اند.

نوع کوچ (افقی، عمودی یا دورانی) و نحوه آن

جریان کوچ بارزترین ویژگی زندگی عشایری است. فرایند کوچ به صورت جابه جایی متناوب اسباب و لوازم زندگی و افراد خانواده و دام (به عنوان اساس معیشت) به شکل نظام مند سالیانه حداقل دو بار بین مناطق بیلاق و قشلاق انجام می گیرد. علت اصلی کوچ را فقدان یا نارسایی تکنولوژی افراد و گروه های عشایری (به خصوص مسکن مناسب) برای مقابله با گرما و سرمای زیاد و تأمین منابع غذایی دام دانسته اند. امروزه از نظر شکل، شیوه و نوع وسیله مورد استفاده، امر کوچ به اشکال مختلف انجام می گیرد (میزبان، ۱۳۸۳، ص ۷۱).

اطلاعات سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۷۷ بیانگر تمایل خانوارهای عشایری به کوچ به شیوه ماشینی (کوچ با وسیله نقلیه) بوده است. در سال ۱۳۷۷ در دوره مربوط به کوچ از بیلاق به قشلاق ۶۱/۴۸ درصد و در دوره کوچ از قشلاق به بیلاق ۵۸/۲۲ درصد از خانوارها با وسیله نقلیه (کامیون، وانت بار، تراکتور و ...) کوچ کرده اند. هم چنین در این دوره ۳۳ درصد از خانوارهای عشایری به همراه دام هایشان به روش سنتی کوچ نموده اند و در نهایت، اینکه به طور متوسط ۷ درصد از خانوارها به همراه دام با وسایل نقلیه کوچ کرده اند (سرشماری ۱۳۷۷، ص ۴۴).

رواج روزافزون کوچ ماشینی موجب تسریع موعد و تسهیل کوچ، به هم خوردن تقویم کوچ، حضور زود هنگام در قلمروهای استقرار و چرای قبل از موعد مراتع، حذف دوره میان بند و... شده که این خود منشأ بروز مجموعه ای از مسایل و رخدادهای جدید در مناسبات بین محیط زیست و نظام بهره برداری عشایری گشته است. با این حال، از نظر توزیع وضعیت کوچ در مناطق و ایلات مختلف، تفاوت های معنی دار وجود دارد. برای نمونه در سال ۱۳۷۷ به طور متوسط بیش از ۹۰ درصد خانوارهای ایلات طبیعی و بهمی به همراه دام به صورت سنتی کوچ کرده و تقریباً همین نسبت از خانوارهای ایل قشقایی و چرام برای کوچ افراد خانواده از وسیله

نقلیه استفاده کرده‌اند (میزبان، ۱۳۸۳، ص ۷۱).

پراکنش زیست بوم‌های عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد

جدول شماره ۳ زیست بوم‌ها و مساحت قلمرو، تعداد خانوار، تعداد سامانه و تعداد سامانه عرفی و وضعیت سامانه‌بندی هر کدام در ییلاق و قشلاق را نشان می‌دهد. در ستون آخر جدول مشاهده می‌شود که وضعیت سامانه‌بندی ایل دشمن زیاری به اتمام رسیده و سایر ایلات هنوز در دست اجرا می‌باشد. جدول نشان می‌دهد که بیش‌ترین تعداد خانوار، سامانه و سامانه عرفی متعلق به ایل بویراحمد سفلی می‌باشد، به طوری که این ایل دارای ۳۴۷۳ خانوار با ۳۴ سامانه دارای ۱۳۸ سامانه عرفی می‌باشد.

نام زیست بوم	مساحت قلمرو (به هکتار)			تعداد خانوار	تعداد سامانه	سامانه عرفی	وضعیت سامانه بندی
	کل	ییلاق	قشلاق				
بویراحمد سفلی	۳۹۲۲۰۰	۹۱۸۸۴	۱۴۴۰۰	۳۴۷۳	۳۴	۱۳۸	در دست انجام
بویراحمد علیا ۱	۱۰۳۴۸۷	۲۰۳۹۵	۶۵۳۳۴	۲۶۵۰	۱۵	۵۰	در دست انجام
بویراحمد علیا ۲	۴۱۰۳۵۰	۴۲۵۶۰/۵	۷۱۲۰۰	۴۰۵	۸	۴۴	در دست انجام
دشمن زیاری							سامانه بندی کامل
زیلایی	۳۷۴۰۰	۱۵۹۰۰	۱۵۹۰۰	۱۴۰۱	۳	۸	در دست انجام
طیپی گرمسیری	۱۰۲۲۰۰	۱۷۹۳۷/۵	۲۷۳۲۵	۶۲۸	۴	۱۳	در دست انجام
بهمی سرحدی	۲۳۴۲۵	۱۴۰۲۵	۸۴۰۰	۱۰۸	۱	۲	در دست انجام
بهمی گرمسیری	۲۴۱۲۵	۱۴۰۲۵	۱۰۱۰۰	۵۰۹	۱	۲	در دست انجام
باشت و بابویی	۱۱۵۷۰۰			۵۱۳			در دست انجام

جدول ۳: زیست بوم‌ها و مساحت قلمروی هر کدام در ییلاق و قشلاق

ویژگی‌های جمعیتی ایلات استان کهگیلویه و بویراحمد

تعداد جمعیت و تغییرات آن: جمعیت عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد که تقریباً در تمامی سطح آن پراکنده شده‌اند از کثرت نسبتاً بالایی برخوردار است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور در تیرماه ۱۳۷۷ محل استقرار ییلاقی ۱۳۴۷۹ خانوار با ۹۲۹۵۱ نفر جمعیت و محل استقرار قشلاقی ۱۱۷۴۰ خانوار با ۸۰۴۰۴ نفر جمعیت در استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد. در تیرماه ۱۳۶۶ تعداد خانوار و جمعیت عشایر کوچنده‌ای که محل استقرار ییلاقی آنها در این استان قرار داشته است، به ترتیب ۱۷۳۸۳ و ۱۱۱۷۶۸ بوده است. عشایر قشلاقی استان نیز در سال مذکور ۱۵۶۱۶ خانوار با ۱۰۰۶۸۰ نفر جمعیت بوده است. میزان رشد سالانه جمعیت روستایی کشور در دوره ۶۵-۷۵ برابر ۰/۲۸ درصد و برای استان کهگیلویه و بویراحمد و ناحیه

بویراحمد در همین دوره به ترتیب برابر ۱/۲ درصد و ۲/۱ درصد است. اگر میزان رشد سالانه ۰/۲۸ درصد را برای جامعه عشایر در دوره ۱۳۶۶-۷۷ در نظر بگیریم، در نتیجه، حداقل باید جمعیت ایلها و طایفه‌های مستقلی که محل استقرار بیلاقی و قشلاقی تمام یا بخشی از آنها استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد، در سال ۱۳۷۷ این جمعیت برابر ۲۵۷۰۴۰ نفر باشد. در صورتی که بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۷۷ این جمعیت برابر ۲۱۶۴۴۲ نفر بوده است. نتیجه اینکه حداقل ۴۱۰۰۰ نفر از جمعیت عشایری در دوره ۱۳۶۶-۱۳۷۷ اسکان یافته و یا از جامعه عشایری خارج شده‌اند و این نشان دهنده روند پر شتاب و فروپاشی از جامعه عشایری ایران است (علیپور، ۱۳۸۴، ص ۵).

دوره استقرار	تعداد ایلها		تعداد طایفه‌ها		تعداد خانوار		تعداد جمعیت	
	۶۶	۷۷	۶۶	۷۷	۶۶	۷۷	۶۶	۷۷
بیلاقی	۱۰	۱۰	۰	۰	۱۷۳۸۳	۱۳۴۷۹	۱۱۱۷۶۸	۹۲۹۵۱
قشلاقی	۹	۹	۰	۰	۱۵۶۱۶	۱۱۷۴۰	۱۰۰۶۸۰	۸۰۴۰۴

جدول ۴: تعداد خانوار و جمعیت عشایر کوچنده استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷

منبع: سرشماری اجتماعی- اقتصادی عشایر کوچنده کشور ۱۳۷۷

سرشماری اقتصادی- اجتماعی سال ۶۶ عشایر کوچنده جمعیت ایلات این استان را در دوره بیلاق ۱۱۱ هزار و ۷۶۸ نفر و در دوره قشلاق ۱۰۰ هزار و ۶۸۰ نفر اعلام کرده است. بر اساس همین مرجع، این جمعیت متعلق به ۱۷ هزار و ۳۸۳ خانوار در دوره بیلاقی و ۱۵ هزار و ۶۱۶ خانوار در دوره قشلاقی می‌باشد. جدول شماره ۵ که منبعث از مرجع یاد شده می‌باشد، ایلات استان، خانوار و جمعیت هر کدام را به تفکیک نشان داده است.

نام ایل	دوره بیلاقی			دوره قشلاقی		
	خانوار	درصد	جمعیت	خانوار	درصد	جمعیت
بویراحمد	۸۹۹۰	۵۱/۶۲	۵۷۴۵۳	۷۲۵۵	۴۶/۴۵	۴۶۱۲۳
طیبی	۲۶۹۳	۱۵/۵	۱۷۴۳۸	۲۵۶۷	۱۶/۴۵	۱۶۵۶۴
بهمی	۲۳۱۲	۱۳/۳	۱۵۵۵۵	۲۰۸۴	۱۳/۳	۱۴۰۳۵
دشمن زیاری	۱۵۷۵	۹/۱	۹۷۴۵	۱۵۷۵	۱۰/۱	۸۷۴۵
چرام	۱۰۴۳	۶	۶۴۵۷	۱۰۴۳	۶/۷	۶۴۵۷
قشقای	۶	۰/۰۳	۵۷	۵۷۹	۳/۷	۴۱۷۰
باشت وپاوتی	۵۱۳	۳	۳۵۸۶	۵۱۳	۳/۳	۳۵۸۶
ممنسی	۲۵۱	۱/۴۵	۱۴۹۵	-	-	-
جمع	۱۷۳۸۳	۱۰۰	۱۱۱۷۶۸	۱۵۶۱۶	۱۰۰	۱۰۰۶۸۰

جدول ۵: خانوار و جمعیت عشایر استان بر حسب دوره بیلاقی و قشلاقی در سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۶۶

منبع: سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور ۱۳۷۷

نوع خدمات عشایر و نحوه خدمات رسانی

قبل از انقلاب خدمات امور عشایر محدود به فعالیت‌هایی از قبیل بهسازی چشمه، احداث و تکمیل انبارهای علوفه و راه گشایی بوده و در حال حاضر، فعالیت‌ها بر پایه طرح اصلی و محوری به صورت زیر می‌باشد. فعالیت‌های اداره کل امور عشایری استان و ادارات تابعه عمدتاً در قالب ۵ طرح به شرح ذیل می‌باشد.

الف) مطالعات توسعه جامع مناطق عشایری

این مطالعات از سال ۱۳۷۰ در استان آغاز شده که پس از انجام مطالعات جامع مناطق عشایری به صورت‌های نیمه تفصیلی و تفصیلی، کانون‌های مستعد توسعه در قالب کانون‌های هدایتی و حمایتی معرفی می‌نماید. در راستای این طرح ۱۲ زیست بوم و ۴۸ کانون شناسایی شدند که ۳۴ مورد مطالعه نیز صورت گرفته است. دومین نوع خدمات عملیات اجرایی اسکان است که شامل آرایه خدمات ثابت در کانون‌های توسعه اسکان می‌باشد که شامل لوله‌کشی آب آشامیدنی، برق رسانی، فضای آموزشی، حفر و تجهیز چاه و غیره که مجموعه فعالیت‌های آرایه شده توسط امور عشایر استان بر اساس جدول زیر آرایه می‌گردد.

ردیف	نام پروژه	محل اجرا	حجم
۱	لوله کشی آب آشامیدنی	در سطح استان	۹۱/۹ کیلومتر
۲	برق رسانی و نصب ۱۲ پست ترانس	در سطح استان	۴۷/۸ کیلومتر
۳	احداث فضای آموزشی	بویراحمد و گچساران	۱۴۵۰ متر مربع
۴	تسطیح-آماده سازی کانون توسعه	در سطح استان	۷۸ هکتار
۵	حفر و تجهیز چاه	در سطح استان	۱۳ حلقه

جدول ۶: مشخصات نام و محل اجرای پروژه‌های خدماتی انجام گرفته در سطح استان برای عشایر

شناخت عشایر و قلمروهای زیستی آنها، شناسایی امکانات و قابلیت‌ها، شناخت مناطق مستعد و معرفی آنها به عنوان کانون، تعیین واحدهای قابل برنامه‌ریزی و... همه با کاربست مطالعات جامع ممکن می‌گردد. اداره کل امور عشایر استان برای رسیدن به این شناخت، قلمروهای عشایری استان را به ۱۲ زیست بوم تقسیم کرده‌اند که مطالعات جامع ۹ زیست بوم از این تعداد را از سال ۷۲ آغاز و در حال حاضر تمامی این مطالعات به اتمام رسیده‌اند. گفتنی است که مطالعات دو زیست بوم دیگر نیز، یعنی زیست بوم‌های زیلایی و قشقایی به ترتیب

توسط سازمان جهاد استان و اداره کل امور عشایر استان فارس صورت گرفته است.

ب) مطالعه نیمه تفصیلی کانون‌های توسعه: کانون‌های توسعه شناسایی شده از طریق مطالعات جامع به مدد مطالعات نیمه تفصیلی و از زوایای مختلف مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته و راه کارهای لازم در جهت انجام فعالیت‌های مختلف نیز ترسیم می‌گردد. در حال حاضر از ۴۸ کانون شناسایی شده، کار مطالعات نیمه تفصیلی ۱۵ کانون انجام و مطالعات سه کانون دیگر در دست اقدام می‌باشد.

ج) مطالعات تفصیلی کانون‌های توسعه: طراحی پروژه‌ها و برنامه‌های حاصل از مطالعات نیمه تفصیلی به وسیله مطالعات تفصیلی امکان‌پذیر می‌گردد. بر پایه همین مطالعات، تأمین اعتبارات، تخصیص منابع و امکانات، برنامه‌ریزی‌ها و سایر فعالیت‌ها نیز انجام می‌گیرد. تعداد کانون‌هایی که تاکنون در سطح استان مورد مطالعه تفصیلی قرار گرفته‌اند ۸ کانون بوده که کار مطالعات ۶ کانون آن به اتمام رسیده و دو مورد دیگر نیز در دست اقدام می‌باشد.

ردیف	عنوان پروژه	محل اجرا	تعداد			اعتبار هزینه شده (میلیون ریال)
			مطالعه در دست	مطالعه نیمه	تفصیلی	
۱	مطالعات جامع زیست بوم‌ها	سطح استان	-	۹	۱۲	۲۱۴/۲
۲	مطالعات نیمه تفصیلی کانون‌ها	سطح استان	۳	۱۵	۴۸	۳۱۲/۵
۳	مطالعات تفصیلی کانون‌ها توسعه	سطح استان	۲	۶	۸	۲۶۹/۵

جدول ۷: عملکرد مطالعات انجام شده در طی سال‌های ۷۲ تا ۷۷

اسکان عشایر: مبانی تاریخی و مفهومی

یکی از راهبردهای مطرح در برنامه آمایش سرزمین، ساماندهی و اسکان عشایر بوده است که عمدتاً با هدف عمران و توسعه جامعه عشایری و خدمات‌رسانی بهتر به این جامعه محروم انجام پذیرفته است. در اواخر حکومت قاجار به دنبال استخراج نفت در قشلاق ایلات بختیاری، قشقائی و عرب و گسترش روابط ایران با دول اروپایی به ویژه بریتانیا و جوانه زدن مناسبات نوین اقتصادی-اجتماعی در ایران، سران ایلات که در اواخر دوره افشار و زند از نفوذ سیاسی چشمگیری برخوردار بودند، بویژه ایلات بختیاری و قشقایی به منظور گرفتن امتیازاتی با این جنبش همسو شدند. از بعد نظری مخالفان ایده تداوم و استمرار کوچ نشینی، این راهبرد را وسیله‌ای جهت دستیابی به هدف‌های توسعه جامعه عشایری، خدمات‌رسانی بهتر به عشایر و

راهی مناسب جهت نجات جامعه عشایری از مشکلات می‌دانند. موافقان نیز بر پیامدهای منفی از قبیل بروز ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی ناشی از تغییر شیوه زندگی و کافی نبودن زمان برای سازگاری با وضعیت جدید تأکید دارند (صالحی، ۱۳۸۳، ص ۱۲). هرچند مکاتب مختلف مستقیماً به مسایل توسعه عشایر نپرداخته‌اند، اما مکتب نوسازی و نظریه پردازان آن درجه شهرنشینی و میزان بالای سنت‌گریزی را از جمله شاخص‌های توسعه می‌دانند و از این رو اسکان عشایر را عین توسعه می‌پندارند. اتکای مکتب وابستگی بر عوامل درونی توسعه و تأکید آنها بر بسیج توانمندی‌ها و نیروهای داخلی و پافشاری بر برونی بودن عوامل عقب ماندگی، از موضعی کاملاً متفاوت بر اسکان عشایر تأکید می‌نمایند (توکلی، ۱۳۸۳، ص ۴۳۸).

سیاست‌های کلان دولت در زمینه طرح‌های اسکان عشایر

در اسکان دادن عشایر ایران دولت‌ها نقش اساسی بازی کردند. سیاست اسکان عشایر در ایران در سه دوره متفاوت صورت گرفت که به شرح ذیل می‌باشند:

دوره اول: بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۵ بود. در این دوره دولت که ساختارهای ایلی را مانعی در راه اجرای برنامه‌های خود در مقیاس ملی می‌دید، درصدد اسکان اجباری و تغییر شیوه معیشت عشایر برآمد. اما عشایر زیر بار نرفته و لذا به مقابله با نیروهای دولتی برخاستند. دولت با استقرار نیروهای نظامی و انتظامی اقدام به ملزم نمودن عشایر به کشت درختان و نباتات غیرهماهنگ با کوچ نمود. از دیگر شگردهای دولت در این دوره برای اسکان عشایر سوزاندن سیاه چادرهای عشایر بود. قابل ذکر است که در تاریخ ۱۳۱۵/۷/۱۴ گروهی از عشایر بویراحمد متعهد شده‌اند که در صورت کوچ هر یک، به یک هزار ضربه شلاق و دو سال حبس و دو بیست تومان جریمه محکوم شدند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۰).

دوره دوم: بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ بود. در این دوره سیاست اسکان عشایر با زور همراه نبود، بلکه با استفاده از خوانین و کدخدایان، دولت توانست زمینه خلع سلاح و اسکان عشایر را فراهم ساخته و امنیت نسبی را در مناطق عشایری تأمین کند.

دوره سوم: این دوره از سال‌های ۱۳۴۱ به بعد با تقسیم‌بندی جدید زمین و سازماندهی نوین تولید و توزیع زراعی همراه بوده است. در این راستا ملی شدن مراتع، به رسمیت شناختن حق استفاده از مراتع گرمسیری در چارچوب صدور پروانه چرای دام برای گروهی از کوچندگان که با محرومیت عده دیگری همراه بود و عوامل دیگر از فشارهای موجود در جهت اسکان عشایر بود.

فشارهای اقتصادی پس از انقلاب که بر عشایر وارد شد، همراه با کاهش اراضی مراتعی و بهره‌دهی مراتع، خشکسالی، شهرنشینی فزاینده و ورود نسل جدید عشایر به دنبال شغل به شهرها و در پی زندگی شهری از جمله عوامل رکود زندگی عشایری بود.

کانون‌های اسکان عشایر در استان کهگیلویه و بویراحمد

طرح مطالعات توسعه جامع مناطق عشایری از حدود سال ۱۳۷۰ در استان آغاز گردید و ۴۸ کانون شناسایی، ۳۴ کانون مورد مطالعه قرار گرفت در ۶ کانون اسکان آغاز گردید که تحت عنوان نام کانون‌های اسکان عشایر استان، کانون‌های هدایتی و حمایتی می‌باشند. این طرح بعد از مطالعه کانون‌های توسعه جهت اسکان و ساماندهی به وضعیت زندگی عشایر می‌پردازد.

هدف کلی طرح ساماندهی عشایر با تأکید بر تجهیز و تقویت کانون‌های مستعد توسعه به منظور ارتقای سطح کیفیت زندگی و برخورداری آنها از خدمات تولیدی، زیربنایی، اجتماعی و ایجاد تعادل‌های محیطی در زیست بوم‌ها است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۷۲، ص ۱۷).

اهداف اجتماعی و اقتصادی طرح‌های ساماندهی در پنج مقوله ذیل خلاصه می‌شوند:

- ۱- افزایش مشارکت اجتماعی عشایر، ۲- ارتقای سطح برخورداری از رفاه اجتماعی، ۳- ایجاد تعادل بین دام و مرتع، ۴- افزایش سطح درآمد و بهبود، ۵- افزایش سطح اشتغال (صالحی، ۱۳۸۳، ص ۱۳).

از کانون‌هایی که به صورت هدایتی عملیات اجرایی در آنها انجام گرفته است عبارتند از:

- ۱- کانون توسعه دشت روم، ۲- کانون توسعه دلی بچک سپیدار، ۳- کانون توسعه حکیم قشقایی گچساران (پاکوه)، ۴- کانون توسعه علی‌آباد گچساران، ۵- کانون توسعه کلاچوی کهگیلویه، ۶- کانون توسعه گره‌ای چرام، ۷- کانون توسعه تنگ تامرادی.

تاکنون ۶۲۰۳ خانوار در این کانون‌ها اسکان گزیده‌اند. لازم به ذکر است، تا قبل از سال ۷۰ عشایر به صورت خود جوش در بعضی از کانون‌ها اسکان گزیده‌اند که وجهه روستایی به خود گرفته و جزء کانون‌های عشایر محسوب می‌گردد. با توجه به اینکه ۶ کانون توسعه دشت روم، دلی بچک سپیدار، حکیم قشقایی گچساران، علی‌آباد گچساران، کلاچوی کهگیلویه و گره‌ای چرام در استان کهگیلویه و بویراحمد فعال و تعداد ۶۲۳ خانوار تاکنون در این کانون‌ها ساکن شده‌اند و روند اسکان نیز ادامه دارد.

ردیف	نام کانون	نوع کانون		وضعیت مطالعه		ظرفیت کانون خالی	خانوار خالی	خانوار اسکان یافته
		هدایتی	حمایتی	نیمه تفصیلی	تفصیلی			
۱	تلخدان دشت روم	*	-	*	*	۱۴۹	۹۱	۵۸
۲	منصورآباد	*	-	*	*	۱۲۰	۱۸	۳۷
۳	حسین آباد	*	-	*	*	۵۱		۳
۴	تنگاری	-	*	*	*	۲۰۴	۳۹	۳۹
۵	دلی بچک سپیدار	*	-	*	*	۱۰۹	۹	۱۵
۶	تنگ تامرادی	-	*	*	-	۲۰۳	۱۴۳	۶۰
۷	علی آباد گچساران	*	-	*	*	۳۶	-	۲۸
۸	حکیم قشقای (پاکوه)	*	-	*	*	۷۹	-	۱۵
۹	پشتکوه باشت	-	*	*	-	۱۶۶	۴۰	۲۵
۱۰	کلاچوی اکبر آباد هدایتی	*	-	*	*	۹۰	۵۴	۳۶
۱۱	کلاچوی حمایتی	-	*	*	*	۴۵۱	۳۲۴	۱۲۷
۱۲	گره ای چرام	*	-	*	*	۱۸۲	۱۷۳	۹

جدول ۸: کانونها و نوع اسکان عشایر در سطح استان

الف) کانون توسعه دشت روم: موقعیت این کانون در شهرستان بویراحمد بوده و در بر گیرنده سه جایگاه اسکان منصور آباد، تلخدان، و حسین آباد و هم چنین نقطه خود جوش تنگاری می‌باشد. مجموعاً متقاضیان اسکان این چهار نقطه نزدیک به ۴۷۰ خانوار بوده که بعضاً استقرار یافته یا در حال استقرار می‌باشند. اداره کل امور عشایر استان با هدف حمایت و کمک به متقاضیان تعداد ۳۰۳ خانوار از آنان را جهت استفاده از تسهیلات بانکی به بانک‌های عامل معرفی کرده که تعداد ۲۲۸ خانوار از آنها موفق به اخذ تسهیلات گردیده‌اند. تسطیح، تفکیک و واگذاری اراضی در سطح ۳۵ هکتار، حفر و تجهیز دو حلقه چاه آب شرب، لوله کشی و تأمین آب آشامیدنی به طول ۲۵ کیلومتر، احداث سه منبع ذخیره آب به ظرفیت مجموعاً ۷۵۰ متر مکعب، ایجاد خط انتقال برق به طول ۱۶ کیلومتر، نصب ۵ دستگاه ترانسفورماتور به قدرت هر کدام ۱۲۵ کیلو وات، احداث دو باب مدرسه ابتدایی و راهنمایی مجموعاً با زیر بنای ۷۷۰ متر مربع، احداث یک باب فروشگاه عشایری با ۱۴۰ متر مربع زیر بنا، نصب سه مخزن ذخیره نفت با ظرفیت مجموعاً ۶۰ هزار لیتر و زیرسازی و آسفالت جاده به طول ۹ کیلومتر از دیگر فعالیت‌های این اداره کل در این کانون می‌باشد.

ب) **کانون توسعه دلی بچک سپیدار:** کانون توسعه دلی بچک با ۱۰۹ خانوار متقاضی، دیگر کانون شهرستان بویراحمد بوده که از سال ۷۵ عملیات اجرایی آن توسط اداره کل امور عشایر استان آغاز گردیده است. برخورداری ۲۱ خانوار از تسهیلات بانکی، حفر یک حلقه چاه آب شرب، آب رسانی به طول ۲/۲ کیلومتر، احداث یک منبع ذخیره آب ۲۵۰ متر مکعبی، ایجاد سیل بند خاکی به طول ۶۰۰ متر و تسطیح و واگذاری ۱۰ هکتار زمین از فعالیت‌هایی است که تاکنون در این کانون صورت گرفته است.

ج) **کانون توسعه کلاچوی کهگیلویه:** کانون توسعه کلاچوی را شهرک اسکان اکبرآباد (دره گلالی) و نقاط خود جوش سرتنگ هیگون، سرتنگ سپو و ده حاجی موری در شهرستان کهگیلویه تشکیل داده است. جایگاه اکبرآباد که با هدف سکونت ۹۰ خانوار طراحی گردیده است، هم‌اکنون تقریباً شکل گرفته و خانوارهای عشایر ذینفع در آن مقیم گردیده‌اند. هم‌چنین مکان‌های خود جوش پیش گفته با حمایت‌ها و مساعدت‌های اداره امور عشایر شهرستان کهگیلویه هم‌اکنون سکونت‌گاه ۴۵۱ خانوار عشایری بوده که در مجموع شمار خانوارهای بهره‌بردار این کانون با احتساب سکنه مجتمع اکبرآباد به ۵۴۱ خانوار بالغ می‌گردد. اهم فعالیت‌های اداره امور عشایر کهگیلویه در این کانون از سال ۷۲ تاکنون عبارتند از: تسطیح و واگذاری اراضی به مساحت هشت هکتار، حفر سه حلقه چاه نیمه عمیق کشاورزی، حفر و تجهیز دو حلقه چاه آب شرب، لوله کشی و تأمین آب آشامیدنی روستاهای سرتنگ هیگون، سرتنگ سپو، ده حاجی موری و جایگاه اسکان اکبرآباد مجموعاً به طول ۲۱ کیلومتر، احداث هفت باب مخزن ذخیره آب مجموعاً با ظرفیت ۶۳۰ متر مکعب، نسب خط فشار متوسط و ضعیف انتقال برق به طول ۱۰/۴ کیلومتر، نصب چهار دستگاه ترانسفورماتور برق (یک دستگاه ۱۰۰ کیلو وات و سه دستگاه دیگر هرکدام ۵۰ کیلو وات)، نصب دو مخزن ذخیره سوخت هرکدام به ظرفیت ۲۰ هزار لیتر و احداث جاده تنگ هیگون به تنگ سپو به طول ۱۰ کیلومتر.

د) **کانون توسعه اتحاد بایاری (گره‌ای) کهگیلویه:** این کانون در حوالی شهر چرام از توابع شهرستان کهگیلویه واقع گردیده و از سال ۷۵ به عنوان مرکز اسکان ۱۸۲ خانوار در حال شکل‌گیری است. فعالیت‌هایی را که اداره امور عشایر کهگیلویه تا کنون در این کانون انجام داده است، شامل آب رسانی به طول ۹ کیلومتر، احداث دو باب منبع ذخیره آب مجموعاً به ظرفیت ۲۷۰ متر مکعب، بهسازی جاده به طول ۱۶ کیلومتر، تسطیح و واگذاری ۱۶ هکتار زمین و برخوردار ساختن ۵۰ خانوار بهره‌بردار عشایری از تسهیلات بانکی می‌باشد.

ح) **کانون توسعه علی آباد (کلاغ نشین) گچساران:** کانون توسعه علی آباد با یک جایگاه اسکان و ۳۵ خانوار متقاضی، محل اسکان خانوارهای عشایر ترک قشقایی بوده که در حوالی شهر دو گنبدان قرار گرفته است. عملیات اجرایی این کانون توسط اداره امور عشایر شهرستان گچساران از سال ۷۲ آغاز و طی این مدت ضمن برخوردار ساختن ۲۹ خانوار از تسهیلات بانکی، فعالیت‌هایی از قبیل تسطیح و واگذاری اراضی به مساحت چهار هکتار، احداث خط انتقال آب با سه کیلومتر طول، نصب خط انتقال برق فشار متوسط و فشار ضعیف به طول چهار کیلومتر، نصب سه دستگاه ترانسفورماتور ۵۰، ۱۰۰، ۱۲۵ کیلو واتی، احداث کانال آبیاری به طول چهار کیلومتر، حفر و تجهیز دو حلقه چاه آب شرب و کشاورزی با قابلیت آبیاری بیش از ۷۰ هکتار زمین زراعی، احداث دو باب مخزن ذخیره آب مجموعاً به ظرفیت ۳۳۰ متر مکعب، احداث یک باب مدرسه ابتدایی با ۲۷۰ متر مربع زیر بنا و نصب دو مخزن سوخت به ظرفیت هر کدام ۲۰ هزار لیتر در این کانون تحقق یافته است.

و) **کانون توسعه پاکوه و پشت کوه باشت گچساران:** این کانون نیز در شهرستان گچساران و متشکل از مجتمع مسکونی پاکوه و محل خود جوش پشت کوه باشت می‌باشد. مجتمع مسکونی پاکوه که از طریق اداره امور عشایر گچساران در حال شکل‌گیری است با هدف اسکان ۷۹ خانوار طراحی گردیده است. منطقه پشت کوه باشت خود محل اطراق ۱۹۸ خانوار عشایری بوده که این خانوارها به مدد حمایت‌ها و مساعدت‌های اداره امور گچساران در ۱۲ پاره آبادی که سه آبادی آن از سال ۷۶ زیر پوشش قرار گرفته است، به طور خودجوش اقدام به اسکان نموده‌اند. آمایش و واگذاری اراضی در سطح پنج هکتار، حفر چهار حلقه چاه آب شرب و کشاورزی و تجهیز دو حلقه آن، ایجاد خط انتقال آب به طول ۱۵/۶ کیلومتر، احداث چهار باب منبع ذخیره آب با ظرفیت ۱۰۰۰ متر مکعب، نصب خط انتقال برق به طول ۸/۵ کیلومتر، احداث یک باب مدرسه ابتدایی با زیر بنای ۲۷۰ متر مربع و نصب چهار مخزن ذخیره نفت سفید با ظرفیت هر کدام ۲۰ هزار لیتر مجموع فعالیت‌های سال ۷۲ تا به حال اداره امور عشایر گچساران در این کانون می‌باشد.

طرح آرایه خدمات پشتیبانی به کوچندگان

این یکی از طرح‌های مهم و حیاتی برای جامعه عشایری بوده که هدف آن خدمات رسانی به عشایر کوچنده می‌باشد. از جمله فعالیت‌های مهم این طرح بازگشایی جاده‌های عشایری استان می‌باشد که تقریباً ۱۸۰۰ کیلومتر جاده عشایری سالیانه نیاز به بازگشایی دارد که این اداره

کل با امکانات و اعتبارات محدود کارهایی چون آبرسانی با تانکر، آموزش و ترویج عشایر، احداث منابع ذخیره آب، احداث حمام ضد کنه، بهسازی چشمه، احداث فروشگاه‌های عشایری و ... از دیگر اقدامات این طرح می‌باشد. طرح ارایه خدمات پشتیبانی به کوچندگان نتیجه تلفیق سه طرح ذیل می‌باشد: تأمین آب عشایر- عمران و زیربنایی- دام و مرتع: در سال ۷۳ بوده که با هدف انجام اموری چون: راه‌گشایی و بازگشایی جاده‌های عشایری، حفر و تجهیز چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، احداث منابع ذخیره آب، بهسازی چشمه، تأمین آب شرب انسان و دام با استفاده از تانکرهای سیار، تشکیل شرکت‌های تعاونی عشایری، توزیع علوفه در مواقع ضروری، تأمین، توزیع و نظارت بر تسهیلات بانکی، همکاری و نظارت بر کنترل کوچ و تلاش در جهت برطرف نمودن مشکلات ناشی از حوادث غیر مترقبه در مناطق عشایری و ... شکل گرفته و هم اکنون نیز فعال می‌باشد. پراکندگی عشایر در مناطق سخت و پراکنده، ضرورت شکل‌گیری تشکیلاتی منسجم که وظیفه ارتزاق و کالارسانی مستمر به عشایر را انجام دهد آشکار شد. بر مبنای پیدایش چنین ضرورتی، اتحادیه شرکت‌های تعاونی عشایر استان با تحت پوشش قرار دادن هفت شرکت و ۱۰۳ فروشگاه ثابت و سیار عشایری موجودیت یافته و ایفای نقش می‌کند. در این راستا انجام کارهایی از قبیل تهیه و توزیع کالاهای اساسی، مواد خوراکی، آرد، انواع پوشاک، سوخت، اعطای وام از محل تبصره‌های ۳ و ۴ و سایر منابع به منظور پشتیبانی از تولید دامی عشایر، تهیه و توزیع دارو و علوفه مورد نیاز دام‌ها و ... از جمله فعالیت‌هایی است که اتحادیه شرکت‌های تعاونی عشایری استان در رابطه با وظایفی که عهده‌دار می‌باشد از خود نشان داده است.

طرح جایگزینی سوخت فسیلی: طرح جایگزینی سوخت فسیلی در راستای حفظ عرصه‌های جنگل و مرتع از اواخر برنامه اول (سال‌های ۱۳۷۲ و ۷۳) طراحی و به مرحله اجرا درآمد و تاکنون ادامه دارد. این طرح شامل:

۱. آموزش خانوارهای عشایری برای استفاده از سوخت فسیلی به ویژه گاز طبیعی؛
۲. احداث جایگاه‌های سیلندر گاز و منابع ذخیره نفت سفید؛
۳. حمل سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز) به مناطق عشایری می‌باشد؛
۴. استاندارد کردن مخازن احداث شده سال‌های قبل.

بر اساس سرشماری سال ۶۶ فقط ۶۴٪ خانوارهای عشایر از گاز و ۱۱/۷٪ آنها از نفت استفاده می‌کرده‌اند و بیش از ۸۵٪ از سوخت‌های نباتی استفاده می‌نموده‌اند. بر اساس سرشماری

۱۳۷۷ خانوارهای استفاده‌کننده از نفت سفید و گازوئیل (۳۱٪) و استفاده‌کنندگان از گاز مایع ۳/۱٪ بوده‌اند که تا پایان برنامه ۷۸ به حدود ۴۵٪ افزایش یافته و در حال حاضر روند به صورت تصاعدی رشد داشته است.

اداره کل امور عشایر استان به تبعیت از سیاست سازمان مرکزی مطالعات طرح جایگزینی سوخت فسیلی را به منظور حفظ درختان جنگلی و استمرار فواید متعدد حاصل از جنگل، از سال ۷۳ شروع که اتخاذ نتایجی همچون رواج استفاده از گاز مایع و نفت سفید در مناطق عشایری نتیجه این مطالعات بوده است. بر این مبنا فعالیت‌هایی که تاکنون توسط اداره کل امور عشایر استان انجام گرفته است، شامل مواردی از قبیل احداث ۱۰ جایگاه توزیع سیلندر گاز، احداث و نصب ۵۳ مخزن ذخیره نفت، خرید ۳ هزار و ۵۰۰ سیلندر گاز و خرید خودروهای توزیع سوخت اعم از نفت و گاز و... می‌باشد. هم‌سپین آغاز احداث ترمینال کپسول پرکنی در شهر چرام اقدام مهم‌تر اداره کل بوده که در همین راستا و از سال ۷۶ با هدف سرویس‌دهی مستمر به عشایر از طریق شبکه‌ای منظم متشکل از هفت شرکت و ۱۰۳ فروشگاه ثابت و سیار عشایری که تمامی استان را پوشش داده است، صورت گرفته و اکنون از پیشرفتی معادل ۵۰ درصد برخوردار بوده است. باید خاطر نشان کرد تا قبل از اجرای طرح جایگزینی سوخت فسیلی، کار توزیع نفت در بین عشایر با استفاده از ۴۱ مخزن صورت می‌گرفته و اینک با اجرای این طرح عملیات سوخت‌رسانی که برخوردار از تنوع گردیده و گاز نیز به آن اضافه شده است، در سطحی فراگیر و مطلوب توسط شرکت‌های تعاونی عشایری انجام می‌گیرد.

تسهیلات در اختیار خانوار: از نظر تمایل به بهره‌برداری از تسهیلات رفاهی و وسایل زندگی، جامعه عشایری گرایش به برخورداری و استفاده از امکانات، اسباب و اثاث وسایل زندگی به سبک یکجانشینان را نشان می‌دهند، به طوری که بین سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ نسبت برخورداری خانواده‌ها از رادیو و ضبط صوت، از ۱۱/۷ به ۴۲/۶۷ درصد، چراغ توری از ۱۳ به ۶۲ درصد، چرخ خیاطی از ۲/۱ به ۲۵/۹۸ درصد، اجاق گاز و گاز پیک نیکی از ۱۰/۸۷ به ۵۴/۹۸ درصد و تلویزیون به ۱۹ درصد رسیده است. طی مدت مورد اشاره استفاده از انواع سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز و گازوئیل) از ۱۲/۲ درصد خانوارها به ۳۵ درصد ارتقا یافته است و در مقابل، مصرف سوخت‌های نباتی مثل هیزم و زغال چوب از ۸۰ درصد به ۶۳ درصد کاهش یافته است. هم‌چنین نسبت خانوارهای عشایری فاقد وسیله نقلیه موتوری از ۸۷ درصد به ۸۳/۵ درصد کاهش یافته است. در کنار احداث ساختمان ثابت، بهره‌مندی از برق از جمله

مهم‌ترین عوامل گسیل داشتن زندگی کوچ نشینی و نیمه کوچندگی به سمت رمه‌گردانی و اسکان (یکجانشینی) است. طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی بر خورداری خانوارهای عشایری از مجموعه خدمات به خصوص برق و اسباب و لوازم مربوطه بر ابعاد انباشت و تعداد اقلام زندگی عشایر افزوده است و زندگی‌شان را سنگین و جابه‌جایی همه اسباب و اثاث طی کوچ را مشکل و به تبع آن زمینه‌ساز ماندگاری دایم برخی از اعضای خانوار در یکی از قطب‌های استقرار را به ارمغان آورده است (میزبان، ۱۳۸۳، ص ۷۴).

طرح عملیات اجرایی اشتغال‌زایی: از جمله اقدامات آن می‌توان به پیگیری واگذاری بیش از ۴۰۰ هکتار اراضی منابع طبیعی به عشایر جهت احداث باغات و تأمین آب کشاورزی و احداث منابع ذخیره آب کشاورزی، احداث کانال‌های آبیاری و .. اشاره نمود.

تعاونی‌ها و اتحادیه تعاونی عشایری استان: این طرح به منظور ایجاد اشتغال در جهت عشایر اسکان یافته در کانون‌های توسعه هدایتی و حمایتی انجام می‌گیرد. اتحادیه تعاونی‌های عشایر استان با هدف حفظ و تقویت توان اقتصادی عشایر در قالب ۷ شرکت و ۱۲۸ فروشگاه ثابت و سیار فعالیت می‌نمایند. محورهای عمده فعالیت اتحادیه تعاونی‌های عشایر استان عبارتند از: تهیه و توزیع کالاهای اساسی، تهیه و توزیع علوفه دامی بین عشایر، اعطای تسهیلات تبصره‌ای، تهیه و توزیع سوخت، راه‌اندازی طرح‌های اشتغال‌زایی با مشارکت عشایر از قبیل پرورش مرغ بومی بوقلمون، پرورش قارچ، کشت و جمع‌آوری گیاهان دارویی، پرورش دام و زنبور عسل و پرورش گیاهان گلخانه‌ای.

نحوه و میزان بهره‌برداری از اراضی و تحولات در این زمینه

بهره‌برداری به صورت کشاورزی دارای دام در قالب اختصاصی شریکی، عشایر شریکی با غیر عشایر بوده، معمولاً به دو صورت بهره‌برداری کشاورزی شامل اراضی آبی و دیم که شامل زراعت باغ می‌باشد. بهره‌برداری غیرکشاورزی شامل مراتع کل، مراتع استان ۷۲۴۰۰۰ هکتار می‌باشد که ۸۱٪ از مساحت مراتع کشور را شامل می‌شود و از نظر پوشش گیاهی بر حسب ارتفاع از سطح دریا به صورت مراتع درجه ۱ تا ۳ وجود دارند. معمولاً بهره‌برداری از اراضی به صورت چرای دام از مراتع بوده و بقیه به صورت کشاورزی در اراضی مستعد و قابل کشت که میزان اراضی کشاورزی بر اساس سرشماری ۷۷ به صورت زیر بوده است. جدول شماره ۴۲ میزان اراضی کشاورزی برحسب هکتار و درصد برای سال ۱۳۷۷ را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که تعداد ۲۷۱۱۹ هکتار از اراضی این استان قابل کشت است. از طرفی

می‌توان عنوان کرد که ۲۰۶۷۳ هکتار از کل اراضی زیر کشت دیم و ۶۴۴۶ هکتار هم زیر کشت آبی می‌باشد.

تحولات مربوط به دام متعلق به عشایر و صنایع دستی

بر اساس نتایج سرشماری تیرماه ۱۳۷۷، به طور متوسط هر خانوار عشایر دوره بیلاقی، ۶۸ رأس دام کوچک (گوسفند، بره، بز و بزغاله) و هر خانوار عشایر دوره قشلاقی، ۷۱ رأس دام کوچک داشته است. در نتیجه عشایر دوره بیلاقی ناحیه بویراحمد حدود ۵۳۰۰۰۰ رأس گوسفند، بره، بز و بزغاله نگهداری می‌کرده‌اند. هم‌چنین تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله عشایر دوره قشلاقی استان حدود ۱۷۰۰۰۰ رأس بوده است. طبق تحقیقات صورت گرفته، به طور کلی نژاد غالب گوسفند در استان بهمی است که ۲۷ درصد از گوسفندان و گوسفند لک قشقایی به میزان ۴۸ درصد از کل گوسفندان را تشکیل می‌دهد و بقیه متعلق به انواع دیگر از نژادهای دام است که سبب اختلاط نژادی شده است. نژاد بختیاری که از قوچ به نژادی صورت گرفته است، باعث آمیخته شدن ۱۶ درصد از نژادهای دورگه و سایر نژادها چون آواسی، قره‌گل و کبوده شیراز است که حدود ۹ درصد از کل نژادها را به خود اختصاص داده است (علیپور، ۱۳۸۴، ص ۷).

سال	دوره استقرار	گوسفند و بره	بز و بزغاله	گاو و گوساله	گاو میش	شتر و بچه شتر	اسب و کره اسب	قاطر و استر	الاغ و کره الاغ
۱۳۷۷	بیلاقی	۳۵۲۰۷۶	۵۷۰۷۷۳	۱۴۸۹۲	۲۵۵	۱۸۲	۱۹۶	۱۱۲۵	۱۸۴۶۵
	قشلاقی	۳۳۴۹۲۳	۵۰۴۹۰۷	۱۲۴۵۴	۳۰۹	۱۰۴	۱۶۶	۱۰۶۰	۱۵۷۰۸
۱۳۶۶	بیلاقی	۳۰۴۴۶۶	۵۴۲۲۸۲	۱۵۵۴۱	۹۹	۶۹	۸۴۳	۴۶۸۲	۲۳۹۹۶
	قشلاقی	۳۳۰۴۶۰	۵۸۴۱۴۸	۱۳۴۴۵	۸۹	۱۰۰	۸۹۸	۴۴۸۳	۲۲۰۶۹

جدول ۹: تعداد و انواع دام‌های دوره بیلاقی و قشلاقی استان در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ به تفکیک دام

صنایع دستی

در تیرماه ۱۳۶۶ در بین خانوارهای عشایر دوره بیلاقی استان، بافت قالی و قالیچه در ۲۸۸۵ خانوار، بافت گلیم و زیلو و مشابه در ۲۴۱۲ خانوار، بافت پلاس (چادر) در ۱۹۱۹ خانوار، بافت (چوقا یا برک و مشابه) در ۲۶ خانوار، بافت (کلاه، دستکش و مشابه) در ۷۲ خانوار و بافت حصیر در ۴۵ خانوار وجود داشته است. برهمن اساس در بین خانوارهای عشایری در بیلاقی بافت قالی و قالیچه در ۲۷۵۱ خانوار، بافت گلیم و زیلو و مشابه در ۲۴۶۰ خانوار، بافت

پلاس(چادر) در ۲۰۰۶ خانوار، بافت(چوقا یا برک و مشابه) در ۲۵ خانوار، بافت(کلاه، دستکش و مشابه) در ۷۰ خانوار و بافت حصیر در ۶۰ خانوار وجود داشته است.

سال ۱۳۷۷				سال ۱۳۶۶				انواع صنایع دستی
هر دو	برای مصرف	برای فروش	جمع	هر دو	برای مصرف	برای فروش	جمع	
								عشایر دوره بیلاقی
۱۹۵	۵۱۹	۳۶۸	۱۰۸۲	۸۷۷	۱۴۳۱	۵۷۷	۲۸۸۵	قالی و قالیچه
۱۱۳	۱۱۶۲	۱۲۳	۱۳۹۸	۲۵۱	۱۹۴۴	۲۱۲	۲۴۱۲	زیلو، گلیم و مشابه
۱۶	۱۳۳۶	۴۲	۱۳۹۴	۲۳	۱۸۵۵	۴۱	۱۹۱۹	پلاس(چادر)
۰	۱۱	۰	۱۱	۱	۲۲	۳	۲۶	چوقا یا برک
۳۱	۵۸	۳	۹۲	۹	۵۸	۵	۷۲	کلاه، دستکش و مشابه
۲	۳۵	۶	۴۳	۱	۴۳	۱	۴۵	حصیر
۸۵۴	۱۱۳۶	۶۳۷	۲۶۲۷	۶۴	۱۵۱۰	۶۳	۱۶۳۷	سایر
								عشایر دوره قشلاقی
۲۴۳	۷۴۷	۱۵۱	۱۱۴۱	۷۵۶	۱۶۰۶	۳۸۹	۲۷۵۱	قالی و قالیچه
۱۳۵	۱۳۶۱	۷۲	۱۵۶۸	۲۶۱	۱۹۹۰	۲۰۹	۲۴۶۰	زیلو، گلیم و مشابه
۱۴	۱۳۲۵	۳۶	۱۳۷۵	۲۰	۱۹۵۱	۳۵	۲۰۰۶	پلاس(چادر)
۰	۱۲	۰	۱۲	۱	۲۱	۳	۲۵	چوقا یا برک
۳۱	۵۴	۴	۸۹	۹	۵۶	۵	۷۰	کلاه، دستکش و مشابه
۲	۳۵	۷	۴۴	۱	۹۸	۱	۱۰۰	حصیر
۸۴۳	۱۰۴۲	۶۱۵	۲۵۰۰	۶۴	۱۳۵۰	۵۷	۱۴۷۱	سایر

جدول ۱۰: انواع صنایع دستی برحسب هدف از تولید در دو سرشماری سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷

باغ و زراعت

هنوز هم اساس معیشت و الگوی زندگی عشایر بر بهره‌برداری از دام و تولید فراورده‌های دامی استوار است. در سال ۱۳۷۷ حدود ۹۸/۵ درصد از خانوارهای عشایری دارای دام بوده‌اند. با این حال، جمعیت و جوامع عشایری از دیرباز با زراعت و به خصوص کشت غلات آشنا بوده است و هر کجا که شرایط طبیعی و اقلیمی اجازه داده فعالیت در زمینه تولیدات زراعی رواج داشته است. از نظر اقتصادی فعالیت در این بخش به عنوان دومین منبع تولید درآمد و معیشت عشایر درخور توجه بوده است.

شرح	زیرکشت محصولات سالانه		آیش		باغ و قلمستان	
	آبی	دیم	آبی	دیم	آبی	دیم
سال ۱۳۶۶	۸۵۳۶	۲۶۶۳۱	۳۹۴۱	۱۶۹۶۶	۱۹۳۸	۲۳۳
سال ۱۳۷۷	۶۴۴۶	۲۰۶۷۳	۱۱۱۴	۵۸۷۸	۱۷۷۰	۲۰۸

جدول ۱۱: مساحت اراضی بهره‌برداری‌های عشایر برحسب نوع استفاده از زمین در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷

چگونگی فروش فرآورده‌های دامی و تأمین مایحتاج زندگی

بر اساس اطلاعات سرشماری عشایر کوچنده سال (۱۳۷۶ - ۱۳۷۷) ۳۶ درصد از خانوارهای عشایر بیلاقی و ۳۴/۳ درصد از خانوارهای عشایر دوره قشلاقی استان، مایحتاج خود را از شرکت‌های تعاونی عشایری خریداری کرده و ۱/۵ درصد از خانوارهای عشایر دوره بیلاقی و ۱/۷ درصد از عشایر دوره قشلاقی استان فرآورده‌های دامی خود را به شرکت‌های مزبور فروخته‌اند.

نوع اقامتگاه

تا گذشته‌ای نه چندان دور شکل غالب سکونت‌گاه‌های عشایری در هر دو قلمرو بیلاقی و قشلاقی را انواع سکونت‌گاه‌های متحرک شامل انواع چادر (سیاه چادر، آلاچیق، کپر و ...) تشکیل می‌داد هر کدام از مسکن‌های مورد اشاره از گذشته‌های دور تاکنون از نظر نوع مصالح، نحوه بافت، ترکیب اجزا و طراحی کالبدی کم‌تر اجازه بروز تغییرات و نوآوری در تکنولوژی ساخت و بافت را به خود داده‌اند (میزبان، ۱۳۸۳، ص ۷۲). بر اساس اطلاعات سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۷۷ تعداد ۹۲/۵ درصد از خانوارهای عشایر دوره بیلاقی فقط از سرپناه (چادر) و ۶/۹ درصد فقط از ساختمان (ساختمان معمولی و عشایری) استفاده می‌کرده‌اند. از خانوارهای عشایر دوره قشلاقی ۱۲/۱ درصد فقط از سرپناه و ۸۲ درصد فقط از ساختمان استفاده می‌کرده‌اند. شرایط حاضر حاکم بر روند زندگی عشایر، نشان از روند فزاینده ساخت و استقرار در سکونت‌گاه‌های ثابت را دارد.

نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان چنین استنتاج کرد که جامعه عشایری ناحیه بویراحمد نیز همانند جامعه عشایری ایران دستخوش تحولات گسترده است و نمود عینی و اصلی این تحولات، شتاب روزافزون در اسکان و یکجانشینی و تغییر الگوی زیست است،

پیش‌بینی می‌شود که این تحولات در آینده با شتاب بیش‌تری ادامه یافته و جامعه عشایری، به تدریج در جامعه روستایی و شهری فرو رود و صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی آن از لحاظ تاریخی به پایان رسد (طرح توسعه و عمران، ۱۳۸۰، ص ۲۲). احتمالاً روند اضمحلال جامعه عشایری همان‌طور که در گذشته نیز کم و بیش چنین بوده، به صورت زیر است:

۱. بخش قابل توجهی از جمعیت عشایری در قلمروهای بیلاقی و به‌طور عمده در قلمروهای قشلاقی به‌طور دایم مستقر می‌شوند و همانند جامعه روستایی به زراعت و دامداری اشتغال می‌ورزند.

۲. بخشی از این جامعه، به خصوص جمعیت جوان و تحصیل‌کرده آن به مراکز و کانون‌های شهری مهاجرت می‌کنند و کم و بیش ارتباط‌های عاطفی و فرهنگی خود را با این جامعه حفظ می‌نمایند. گرایش عمده اسکان در این بخش به ویژه در خانواده‌های هسته‌ای و زوج‌های جوان است که می‌خواهند از زیر نفوذ گروه‌های خویشاوندی و قبیله‌ای خارج شوند و دارای تشخیص و استقلال اقتصادی - اجتماعی هستند.

۳. بخشی دیگری از این جامعه با استفاده از فن آوری و راهکارهای جدید و ترکیب شیوه‌های سنتی و جدید دامداری و با تحول در سازماندهی کوچ و جدا کردن خانوار از رمه و دام، به جمعیت رمه‌گردان در مراتع پیرامون کانون‌های استقرار در قلمروهای بیلاقی یا قشلاقی تبدیل می‌گردند.

با توجه به نکات و تحلیل فوق هر نهادی که به امور جامعه عشایری می‌پردازد، لازم است به این روند پرشتاب توجه کند، زیرا همان‌طور که سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی به درستی به آن توجه کرده، به دلیل سرعت روند تغییرات، اسکان جمعیت سرریز از امکانات اجرایی و برنامه‌های فعلی سبقت خواهد گرفت، بنابراین نابسامانی در روند اسکان این جامعه ادامه خواهد یافت.

مسایل و مشکلات: برخی چالش‌ها و محدودیت‌های جامعه عشایری

زندگی کوچ‌نشینی همواره با مشکلات و معضلات متعددی مواجه بوده و از همین رو، عشایر ناگزیر از تحمل سختی‌های زیاد در طول حیات خود می‌باشند. مهم‌ترین چالش‌هایی که متأثر از تغییرات در زندگی جامعه عشایری وجود دارد، را می‌توان به صورت ذیل بررسی کرد:

۱. ساختار سازمان اجتماعی و نظام ایلی از هم گسیخته و کارکردهای رسمی خود را از دست داده است. تعارض‌های ناشی از ثابت بودن دستگاه‌های اداری و خدمات‌رسانی آنها در

محدوده جغرافیایی خاص و تحرک و جابه‌جایی مداوم عشایر و هم‌چنین عدم حضور و مسؤولیت‌پذیری دستگاه‌های اداری اجرایی ذیربط با امور عشایر در قلمروهای عشایری قابل ذکر است.

۲. تحمیل محدودیت‌های بخش کشاورزی به جامعه عشایری، یعنی با توجه به اینکه در بین سه بخش اقتصادی (صنعت، کشاورزی و خدمات) علی‌رغم ظرفیت‌های زیاد بخش کشاورزی، سرمایه‌گذاری در این بخش کم‌تر از ۵ درصد منابع ارضی را به خود اختصاص داده است. جامعه عشایری به عنوان یکی از اجزای این بخش تاکنون زمینه استفاده از همین سرمایه‌گذاری اندک را نیز نداشته و از این بابت محدودیت‌های مضاعفی را تحمیل می‌کند.

۳. جمعیت و جامعه عشایری به عنوان یک جامعه مستقل دارای تمام ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و نیازهای تعریف شده برای یک جامعه انسانی هستند. از این جهت، موضوع و مسایل مربوط به جامعه عشایری چندوجهی، بین‌بخشی و انضباطی است، ولی نظام برنامه‌ریزی بخشی است.

۴. بی‌توجهی یا نادیده گرفتن حقوق عرفی عشایر بر عرصه‌های مرتعی، اطراق‌گاهها، میان‌بندها، ایل راه‌ها و مسیرهای کوچ و مجموعه منابع موجود در قلمروهای عشایری از جمله رویکردها و رفتارهای ناروا و بحران‌زایی است که از طرف برخی از دستگاه‌ها نیز به آن دامن زده می‌شود.

۵. وابستگی جامعه عشایری به طبیعت و تغییرات شرایط طبیعی زمینه‌ساز مسایل و مشکلات متعددی برای جامعه عشایری است. کم‌بارشی (قلت نزولات جوی) خشکسالی و انواع مخاطرات طبیعی جملگی زندگی خانوار عشایری را دستخوش افت و خیزهای ناخواسته‌ای می‌سازد که دستاورد آن تقریباً فقر و تنگدستی است.

۶. بلا تکلیفی مالکیت مراتع از دیگر مشکلات و مسایل و تنگناهای جامعه عشایری است.

استعدادها و قابلیت‌های جامعه عشایری استان

۱. پراکنش ایلات و طوایف عشایری در عرصه قلمروهای مرتعی استان می‌تواند حاشیه مرزها و مناطق استراتژیک از نظر نظامی و امنیتی را محافظت کند، به طوری که می‌توان عشایر را به عنوان پدافندی غیرعاملی مهم در حفظ و حراست از مناطق مرزی به شمار آورد.

۲. عشایر بر اساس نظام کوچ و استقرار خود، معمولاً منابع مرتعی را مورد استفاده قرار داده و آن را به ارزش افزوده و تولیدات دامی و کشاورزی تبدیل می‌کنند که در شرایط عدم

بهره‌برداری توسط عشایر اغلب بدون استفاده مانده و از بابت عدم استفاده از منابع ملی به اقتصاد ملی زیان و خسارت وارد می‌شود. بنابراین هر چادر عشایری به مثابه یک کارگاه تولیدی و هر فرد عشیره‌ای عنصر ماهر در تولید و در خدمت اقتصاد ملی محسوب می‌شود.

۳. عشایر حافظان و حاملان ارزش‌ها و میراث فرهنگی اصیل ایران زمین هستند. با توجه به تعداد ایلات و طوایف عشایری و پراکندگی آنها در گستره وسیعی از فضای جغرافیایی کشور، می‌توان مجموعه متنوعی از بقایای سنن، عادات، آداب، مناسک، نهادها و ارزش‌های ملی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و رفتارهای پسندیده را در مناطق عشایری مشاهده کرد.

۴. دام‌های عشایر به عنوان منابع ژنتیکی دام کشور و سازگار با شرایط محیطی مناطق مختلف به عنوان ذخیره ژنتیکی دام کشور محسوب می‌شوند.

۵. مناطق و قلمروهای اسکان عشایر، جزو فضاهای جغرافیایی و بکر طبیعت با مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی بسیار زیبایی هستند و این امر می‌تواند در جذب گردشگران داخلی و خارجی بسیار مؤثر بوده و از جهات مختلف برای کشور مفید باشند.

۶. برخورداری از دانش گسترده بومی و مهارت در تولید و مشارکت آحاد خانوار در فرایند

تولید.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، احمد (۱۳۸۳)، "آمایش سرزمین، سیاست راهبردی برای توسعه پایدار منابع طبیعی و ساماندهی جوامع عشایری"، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران.
۲. اداره کل امور عشایر (۱۳۷۷)، "اجمالی از عملکرد بیست سال تلاش و سازندگی"، وزارت جهاد سازندگی.
۳. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، "توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران"، تهران، نشر نی.
۴. امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۷۹)، "تغییرات و تحولات در لرستان"، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، تهران، موسسه نشر کلمه، صص ۱۱۵-۱۳۴.
۵. توکلی، جعفر (۱۳۸۳)، "مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر"، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران.
۶. حیاتی، داریوش (۱۳۸۵)، "تحلیلی بر پیامدها و راهکارهای گزیده شده اسکان عشایر در ایران با نگرشی بر تجربه دشت بکان"، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۱، صص ۶۶-۹۹.
۷. سازمان امور عشایر ایران (۱۳۷۲)، "ادبیات و اهداف برنامه توسعه جامع مناطق عشایری"، دفتر اول، تهران.
۸. سازمان امور عشایر کشور (۱۳۸۰)، "شناسنامه سامانه‌های عشایری"، وزارت جهادکشاورزی، معاونت توسعه و عمران، دفتر مطالعات.
۹. سند برنامه، برنامه سوم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹-۱۳۸۳، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه (جلد دوم)، سازمان برنامه و بودجه، شهریور ۱۳۷۸.
۱۰. صالحی، اصغر (۱۳۸۳)، "ارزشیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی طرح‌های ساماندهی عشایر در کانون‌های گل‌افشان و چشمه رحمان اصفهان"، همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران، جلد اول، صص ۴۵-۱۱.

۱۱. طیبی، حشمت ا.. (۱۳۷۱)، "مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر"، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. طرح توسعه و عمران ناحیه بویراحمد (۱۳۸۰)، "مهندسان مشاور فرهنگ، وزارت مسکن و شهرسازی"، سازمان امور عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد. تابستان ۱۳۸۰.
۱۳. غلیپور، مجید (۱۳۸۴)، "برآورد هزینه و درآمد عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد"، امور عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد.
۱۴. غفاری، هیبت الله (۱۳۶۸)، "ساختارهای اجتماعی عشایر بویراحمد"، تهران، نشر نی.
۱۵. غفاری، یعقوب (۱۳۷۴)، "شناسنامه ایلات و عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد"، تهران، نشر روایت.
۱۶. غفاری، یعقوب (۱۳۷۸)، "تاریخ اجتماعی کهگیلویه و بویراحمد"، تهران انتشارات گل‌ها.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)، "سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور ۱۳۷۷"، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد. اداره کل امور عشایری استان.
۱۸. موسوی نژاد، ابراهیم (۱۳۸۰)، "روند نابسامانی عشایر کوچنده و کارکرد سازمان‌های دولتی"، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، تهران، نشر کلمه، صص ۱۶۰-۱۳۵.
۱۹. میزبان، مهدی (۱۳۸۳)، "بررسی فرایند تغییر و تحولات اقتصادی اجتماعی جامعه عشایری (تحلیل وضع موجود، تبیین چشم‌اندازهای آینده)"، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، تهران، اردیبهشت ۸۳.